

لزوم آزادی انتخابات

متن نامه‌ی

محمد مصدق به احمد قوام

اشاره: زنده‌یاد دکتر مصدق، پس از امیرکبیر، بزرگ‌ترین مرد سیاسی ایران بود و با آن‌که از خاندانی اشرافی و مرفه برخاسته بود، پیوسته در جهت احقاق حقوق شهروندی مردم مبارزه می‌کرد. نمونه‌ی ارزنده از اندیشه‌های دموکراتیک او در نامه‌ی حاضر خطاب به احمد قوام مؤسس «حزب دموکرات» در زمان نخست‌وزیری او ارائه شده است: از آن‌جا که اصل اصیل آزادی انتخابات، مهم‌ترین وسیله‌ی مشارکت سیاسی مردم و اعمال حقوق شهروندی شهروندان است، چاپ متن نامه‌ی خصوصی مصدق به قوام در این برهه‌ی زمانی خواندنی‌ست.

□ خصوصی‌ست - مستقیم

۲۶ آبان‌ماه ۱۳۲۵

جناب اشرف، آقای قوام نخست‌وزیر

پس از مراجعت از نیمه‌ی راه مسافرت اروپا، از اوایل اردیبهشت، این جانب در احمدآباد ساوجبلاغ سکونت اختیار کرده و در حال انزوا گرفتار مریض‌داری بودم و بالاخره خود نیز دچار کسالت شده و ناچار به تهران آمده و مدتی‌ست تحت معالجه می‌باشم و اگر با چنین حالی در مقام تصدیع برآمده‌ام، هیچ محرکی غیر از ادای وظیفه‌ی اجتماعی ندارم و انتظار دارم که عرایض این جانب را خیرخواهانه تلقی فرموده و در آن امعان نظر مخصوص بفرمایند.

متعاقب صدور فرمان انتخابات، غلیبان فوق‌العاده‌ی در افکار عمومی پدیدار گردیده و مراجعاتی از طبقات مختلفه به این جانب شده و اظهار نگرانی کرده‌اند. مردم می‌گویند هنگامی که دولت در بعضی حوزه‌ها عملاً بازرسی ندارد و در سایر حوزه‌ها هم خود دولت به‌عنوان حزب دخالت کند، انتخابات، آزاد نخواهد بود و چنین انتخاباتی با وضعیت کنونی ایران بسیار خطرناک است و مجلسی که با این طرز تشکیل شود، مظهر افکار عمومی ایران نیست و در مقابل بیگانگان برای دولت تکیه‌گاه نخواهد بود.

زیرا مأمورین بیگانه بهتر از هر کس ناظر به اوضاع و از منشأ انتخاب نمایندگان آگاه‌اند و چنین مجلسی را از قوه‌ی مجریه جدا نمی‌کنند و توقع دارند که دولت مجلس را برای پیشرفت مقاصد سیاسی آن‌ها مطیع و منقاد کند و چنان‌چه مجلس نسبت به توقعات یک طرف مقاومتی نشان داد و یا به رویه‌ی او اعتراض نمود، آن را اثر تحریک طرف مقابل ندانند و عصبانی نشوند و جنبه‌ی تعرض‌آمیز اتخاذ کنند که زندگی را بر هر ایرانی حرام کنند. در صورتی که ملت ایران خواهان دوستی با همسایگان است و اگر بگذارند نمایندگان حقیقی خود را انتخاب کنند، از راه صفا و شرافت می‌تواند رضایت همسایگان را فراهم نماید و انتظار ما از اولیای امور آن است که مرتکب سهو و خطا نشوند و ما را دچار سرنوشت شوم و فاجعه‌ی جبران‌ناپذیر نکنند.

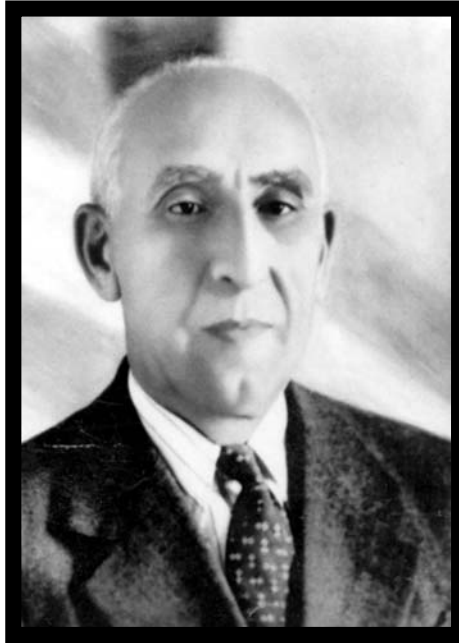
هیچ‌کس منکر مضاّر ادامه‌ی فترت و مخالف لزوم تشکیل مجلس نیست، به شرط این‌که مجلس محصول آرای طبیعی مردم و

مبیین تمایلات ملت ایران باشد و چون با اوضاع و احوال کنونی چنین مجلسی به‌وجود نخواهد آمد، باید در اجرای قانون انتخابات تأخیر شود تا مقتضیات انتخابات آزاد فراهم گردد. این است نظریات مردمی که با این جانب داخل مذاکره شده‌اند.

اما به عقیده‌ی خود این جانب، آن‌چه تاکنون بر سر ما آمده، از نبودن مجلس است، چنان‌چه در تأخیر انتخابات نتوانم با مردم هم‌عقیده شوم، از اظهار عقیده و عرض این نکته ناگزیرم که دولت اعم از این‌که مانند دوره‌ی دیکتاتوری اسامی داوطلبان و کالت را به فرمانداران تلگراف کند و یا این‌که مانند دوره‌ی چهاردهم تقنینیه‌ی عده‌ی را با تزویر و حيله در حوزه‌های انتخابیه تحمیل و یا نامزدهای خود را تحت عنوان تشکیل حزب تقویت کند، نتیجه یکی‌ست و آن این است که قاطبه‌ی مردم از حق انتخاب کردن - حقی که قانون اساسی برای تعیین مقدرات‌شان به آن‌ها داده است - محروم می‌شوند.

خدا را گواه می‌گیرم که از این تذکرات نظر و غرضی نسبت به هیچ دسته و حزب معینی ندارم. البته در مملکت مشروطه باید احزاب عرض اندام کنند و انتخابات را به‌دست گیرند، به شرط این‌که متکی به نیروی ملی و معنوی باشند و پیشرفت خود را منحصر به وسیله‌ی تبلیغات معمول در کشورهای مترقی جایز دانسته و آزادی را در حدود مقررات قوانین برای تمام افراد و احزاب بشناسند، نه این‌که به بعضی وسایل مردم را مرعوب و میدان عمل را انحصار به خود نمایند.

وقتی که در موقع انتخابات، دولت اقدام به تشکیل حزبی کند، مردم چنین تصور می‌کنند که ممکن است دولت به نفع طرفداران خود از قدرت دولتی استفاده کند و اگر این تصور صورت عمل پیدا کند، بدعتی برای آینده خواهد شد که دیگران هم مبادرت به تشکیل حزب کنند و ملت ایران در ادوار آینده از حق آزادی انتخابات محروم شود. بنابراین راجع به تشکیل حزب دموکرات جناب‌عالی باید سعی بفرمایید که کسی نتواند چنین تصویری را بکند و هرگاه در عمل دیده شود که جناب‌عالی به‌منظور مصالح کشور اقدام به تشکیل حزب فرموده‌اید و قصد آن نیست که برخلاف افکار عمومی به نفع اعضای حزب دموکرات حق آزادبودن مردم در انتخاب نماینده سلب گردد،



مسئلاً نتایج نیکویی نصیب جناب عالی خواهد شد که در تقویت حزب دموکرات در آینده تأثیر خوب خواهد داشت.

ممکن است گفته شود که در ممالک راقیه نیز دولت‌ها متکی به احزاب اند، مثل این که در انگلستان دولت از حزب معینی تشکیل می‌شود و انتخابات را هم همان دولت اداره می‌کند. به عقیده‌ی این جانب مقایسه‌ی کشور ایران با ممالک انگلوساکسون، قیاس مع الفارق است. زیرا در آن ممالک بر اثر دوام مشروطیت قوانین جزو عادات جاریه شده و درباره‌ی همه یکسان اجرا

می‌شود، چنان که اغلب پیش آمده که در زمان حکومت یک حزب انتخابات به نفع حزب مخالف آن تمام شده. ولی در این کشور سال‌ها وقت لازم است تا قوانین مانند دیگر کشورها مورد احترام واقع شده و امر و مأمور بتوانند سمت رهبری حزب و ریاست دولت را که در شخص واحد جمع شود، از هم تفکیک نمایند.

در انگلستان هر حزبی در انتخابات فاتح شد، خالق دولت است و در آن‌جا سابقه ندارد که حزب مخلوق دولت باشد.

البته تصدیق می‌فرمایند که این دفعه اوضاع قابل مقایسه با زمان سابق نیست و کشور ما هیچ‌گاه با چنین خطری که استقلال و تمامیت ما را تهدید می‌کند، مواجه نشده است و کوچک‌ترین بی‌احتیاطی ممکن است ما را از این پرتگاه برای همیشه ساقط و نابود کند.

آقای نخست‌وزیر! نظیر بحرانی که امروز گریبان‌گیر ما شده، برای سایر ملل هم پیش آمده و می‌آید و برای نجات ملل کوچک از چنین بدبختی هیچ نیرویی مؤثرتر از نیروی معنوی نیست. ملل کوچک در این موارد هیچ نیرویی بالاتر از اتفاق و اتحاد مخصوصاً اتفاق بین ملت و دولت و اهتمام اولیای دولت به احتراز از هر عملی که ممکن است در ملت ایجاد نفاق و دوئیّت بکند، ندارند. بزرگ‌ترین حربه‌ی که امروز ما را در مقابل تجاوزات و مداخلات می‌تواند حفظ کند، تکیه به قانون اساسی کشور و افکار عمومی است.

این انتخابات به ترتیبی که در نظر گرفته شده، این حربه را سست می‌کند و آن را علیه مصالح کشور به کار خواهد بست و افکار عمومی را دچار تشتت و تفرقه می‌کند و منجر به کشمکش‌های خونین و اختلال امنیت و حتا خدای نخواستہ به تجزیه‌ی کشور خواهد شد.

به عقیده‌ی این جانب، صلاح مملکت در این است که نمایندگان مجلس با خود مردم سر و کار پیدا کنند و فرمان و کالت را از دست مردم بگیرند و بالتجربه در مجلس شورای ملی مأمور مردم باشند و

در صلاح و صرفه‌ی جامعه‌ی ایرانیّت عمل کنند و صلاح شخص جناب اشرف هم در این است.

بنابراین اگر یک‌صد و بیست نفر از طبقات شش‌گانه و مورد اعتماد جامعه به‌طوری که در ماده‌ی چهاردهم قانون انتخابات مصرح است، یعنی از علما، اعیان، ملاکین، تجار، اصناف و زارعین دعوت شوند و آن‌ها هیأتی که کم‌تر از شش و بیش‌تر از دوازده نفر نباشند، از بین خود انتخاب کنند و انتخابات در تمام مملکت تحت نظر هیأت مزبور عملی شود، آن جناب با نهایت بی‌طرفی از عهده‌ی انجام وظایف نخست‌وزیری و رهبری حزب هر دو برمی‌آیند و نتیجه‌ی انتخابات هم هرچه بشود، مورد اعتراض نخواهد بود، زیرا ملت مقدرات خود را هر طور که بخواهد تعیین می‌کند و منظور از اصرار این جانب در آزادی انتخابات برای تمام افراد و احزاب و دسته‌جات نه این است که حبّ و یا بغضی نسبت به حزب معینی در میان باشد، بلکه از این جهت است که مردم آزادانه بتوانند هر که را که مورد اعتماد آن‌هاست، انتخاب نمایند.

بدیهی‌ست آن عده از نامزدهای حزب دموکرات که مورد اعتماد و علاقه‌ی این مردم باشند با رویه‌ی صحیح و غیرقابل اعتراض به مجلس خواهند رفت و فقط نماینده‌ی حزب دموکرات شناخته خواهند شد، بلکه نماینده‌ی عموم مردم به‌شمار خواهند آمد و مسلماً حزب دموکرات به اتکای چنان وکلایی که به نوبه‌ی خود از اتکای افکار عمومی برخوردارند، بهتر می‌تواند برای حفظ مصالح کشور در مجلس مبارزه کند و اگر غیر از این باشد، ممکن است بین مردم و حزب دموکرات جدایی پیدا شود که از لحاظ مصالح کشور آن را نیز باید مورد توجه و دقت قرار داد.

در خاتمه عرض می‌کنم که این نامه را مدتی‌ست تهیه نموده، ولی در ارسال آن تأمل داشتم تا این که وجدان اجازه نداد بیش از این مسکوت بگذارم و اکنون آن را تقدیم می‌نمایم.

■ دکتر محمد مصدق